

باز هم دربارهٔ اتحاد عمل

برخورد به پاره‌ای از مواضع نیروهای چپ

انقلابی بر علیه ضد انقلاب حاکم را نیز با خود دارد و دقیقاً در دارا بودن این جنبه است که اتحاد عمل انقلابی خواهد بود.

(همه تاکیدها از رزمندگان شماره ۲۷)

بعبارت دیگر رفقای رزمندگان گرچه اساس ضرورت اتحاد عمل را در ارتباط با "یورش محتمل ضد انقلاب مغلوب و امپریالیست‌های پشتیبان آن" میبینند اما معتقدند که این اتحاد عمل جنبه‌های فرعی دیگری را نیز خواهد داشت که یکی از آنها "جنبه‌ی سیاسی - انقلابی آن بر علیه ضد انقلاب حاکم" میباشد. با این استدلال بروشنی میتوان در صورت نامحتمل بودن "یورش ضد انقلاب مغلوب و امپریالیست‌های پشتیبان آن" کل قضیه ضرورت اتحاد عمل چپ را منتفی دانست چون در این صورت موردی برای "اتحاد عمل چپ" علیه ارتجاع حاکم وجود نخواهد داشت. خود رفقا در شماره ۲۰ ارگان خود این مسأله را با صراحت بیشتری بیان میکنند:

"این تاکتیک که اتحاد عمل باشد، اساساً تا این حد مبنا دارد که مسأله‌ی ضد انقلاب مغلوب بصورت کمونی آن مطرح است." (تاکید از ماست)

پس مسیبتیم که مسأله‌ی "اتحاد عمل چپ" از دید "رزمندگان" معنا و مفهوم و اعتباری بیش از احتمالات مربوط بسبب یورش ضد انقلاب مغلوب و امپریالیست‌های پشتیبان آن ندارد. اگر این احتمال وجود داشت اتحاد عمل چپ ضرورت پیدا میکند و الا اتحاد عمل فاقد معنا "و اعتبار سیاسی است."

یادای دیگر از نیروها از جمله "راه کارگر" بسا وجودیکه بر خلاف "رزمندگان" ضرورت اتحاد عمل چپ را تنها در ارتباط با یورش امپریالیست‌ها و ضد انقلاب غیر حاکم میبینند و مجموع شرایط (اوضاع جنت چپ، موقعیت حاکمیت، برنامه‌های تهاجمی امپریالیستی و متحدین آنها) را سدوان بایستی بحث خود برای توضیح ضرورت اتحاد عمل بین نیروهای کمونیست قرار میدهد، لیکن در طرح الوتت‌های سیاسی اتحاد عمل دچار اشتباه جدی میشوند، اشتباهی که در خود هسته انحرافات تئوریک زیادی را در بر دارد. رفقای "راه کارگر" مینویسند:

"ضرورت جنبه‌ی متحد چپ از ضرورت مبارزه و مفاوض در برابر ضد انقلاب حاکم و همچنین امپریالیسم و مزدوران آن ناشی میگردد."

(راه کارگر شماره ۲۹)

بسیار خوب، ما هم با شما هم عقیده‌ایم که با ملاحظه کل

از سال گذشته بویژه از هنگامیکه یورش ارتجاع حاکم و تشتت درونی چپ، ضرورت سازماندهی همکاری‌های لازم بین نیروهای چپ را بیش از پیش در دستور کار قرار میداد، ما بکرات از ضرورت اتحاد عمل چپ سخن گفته‌ایم.

شماره‌های مختلف‌رفه‌ای و از جمله شماره‌های ۴ و ۴۳ گواه این مطلب هستند. اکنون اما با گذشت زمان و بسا توجه به اوضاع خاص جنت، مسأله‌ی اتحاد عمل بین نیروهای چپ (کمونیست‌ها) به یک ضرورت ملموس و غیر قابل انکار تبدیل شده است. هم اکنون بسیاری از نیروهای جنبش کمونیستی حداقل در بیان مسأله با این ضرورت رسیده‌اند و این ملل را در ارگانهای خود مطرح ساخته‌اند. این امر را ما یک گام مثبت تلقی میکنیم و از آن استقبال مینمائیم. لیکن هنوز این سؤال که چرا علیرغم تسهیل اعلام شده‌ی سازمانها و گروههای چپ ایران، هنوز امر اتحاد عمل تحقق پذیرفته است، بیفوت خود باقی است. بایستد باین سؤال بدقت پاسخ گفت و مواضع و مشکلات موجود در این راه را مورد بررسی قرار داد. ما این مشکلات را هم در زمینه‌ی سیاسی و هم عطفی مورد بررسی اجامی قرار میدهم. مواضع سیاسی تحقق اتحاد عمل چپ کدامند؟ پاره‌ای از نیروهای چپ بحث را از نقطه‌ی تئورسی آغاز میکنند.

این نیروها ضرورت اتحاد عمل چپ را از بررسی موقعیت جنبش چپ و ارتباط آن با تهاجم سیستم حاکمیت ارتجاعی نتیجه نمیگیرند. برعکس آنها اتحاد عمل چپ در شرایط خاص کمونی در ارتباط با احتمال متحدین امپریالیست‌ها و نیروهای ضد انقلابی و استبدادیه رژیم گذشته ضرورت پیدا کرده و در همین چهارچوب خلاصه میشود. در یک کلام چگونگی احتمال حمله‌ی نیروهای امپریالیستی و سربرندگان ارتجاعی رژیم سابق وجود دارد. پس اتحاد عمل بین نیروهای چپ ضرورت پیدا میکند و الا موردی برای این اتحاد عمل وجود نخواهد داشت. رفقای "رزمندگان" از عمده‌ترین نیروهای هستند که اتحاد عمل چپ را بر این پایه استنتاج میکنند. رزمندگان مینویسند:

"این تدبیر مشخص اتحاد عمل نیروهای جنبش کمونیستی در تدارک مبارزه‌ی متحدانه بر علیه یورش محتمل ضد انقلاب مغلوب و امپریالیست‌های پشتیبان آن است.... این اتحاد عمل که مشخصاً در رابطه با یورش محتمل ضد انقلاب مغلوب و امپریالیست‌ها پدید میآید... جنبه‌ی سیاسی -

شرایط "داخل" و "خارج"، ضرورت اتحاد عمل چپ را هم اکنون بعنوان یک امر غیرقابل انکار در دستور کار قرار میدهد. کر چه همانطور که سال گذشته نیز بهنگام تهاجم رژیم در ۲۸ مرداد توضیح دادیم، اتحاد عمل چپ حتمی در صورت فقدان برنامه‌های تهاجمی امپریالیسم و ارتجاع مغلوب ضرورت داشت، چه تشتت درونی چپ و یورش ارتجاع حاکم بخودی خود این اتحاد عمل را ضروری و غیر قابل اجتناب کرده بود. منتهی بحث ما اینست که اتحاد عمل چپ بخودی خود هم اصل اساسی و حیاتی برای دفاع از موجودیت چپ است، گرچه در ارتباط با این مساله اتحاد عمل با سایر نیروهای دموکرات انقلابی میتواند مطرح شود. رفقای راه کارگر اصل را اتحاد عمل نیروهای دموکرات قرار میدهند و فرج را اتحاد عمل چپ، در صورتیکه بنظر ما قضیه درست برعکس است. باین نکته توجه کنید:

"ضرورت مبارزه در برابر اقدامات ضدانقلابی رژیم حاکم و ضرورت مقابله با توطئه‌های امپریالیسم امریکا و مزدوران آن ضرورت صف متحد انقلابی راه روز بیش از روز گذشته ملموس تر و محسوس تر میسازد. و از آنجا که تحقق یک صف متحد انقلابی در شرایط کنونی با مشکلاتی روبروست که در بالا بر شمردیم و از آنجا که این مشکلات را تنها از طریق متحد کردن نیروهای چپ انقلابی میتوان از میان برداشت، بوجود آوردن یک جبهه‌ی متحد از نیروهای چپ انقلابی بعنوان ضرورت مقدم و بعنوان وظیفه‌ی مبرم و فوری انقلابی خود را نشان میدهد." (همانجا) (تاکید از ما ست)

به بیان دیگر ضرورت اتحاد عمل چپ (بقول رفقای راه کارگر جبهه‌ی متحد چپ) از آنجاست که اگر این جبهه‌ی چپ تشکیل نشود مساله‌ی تشکیل صف متحد انقلابی با نیروهای دموکرات با اشکال مواجه میشود و چون هدف ایجاد صف متحد انقلابی با نیروهای دموکرات است و بدون اتحاد نیروهای چپ این مهم تحقق نمی‌یابد، پس هر چه زودتر باید جبهه‌ی متحد چپ را فرا خواند! البته علیرغم طرح نادرست الویت‌ها در نتیجه‌گیری رفقای "راه کارگر" به ضرورت اتحاد عمل چپ می‌رسند، لیکن این مساله که تشکیل صف مستقل چپ ناشی از ضرورت‌های ایجاد صف متحد انقلابی با نیروهای دموکرات است بنظر ما درست نیست و فقط از یک نگرش غلط تئوریک میتوان منتج شود. ایجاد صف مستقل چپ و بطریق اولی تشکیل صف مستقل پرولتاریا همیشه و در همه حال ضرورت‌ناپذیر دارد و بهیچوجه ارتباطی با اوضاع درونی سایر نیروهای انقلابی دموکرات نمیتواند داشته باشد. ایجاد صف مستقل چپ که یک وجه آن اتحاد عمل نیروهای چپ است، از خلعت طبقاتی جنبش و از ضرورت ایجاد حزب انقلابی پرولتاریا ناشی میگردد. اینکه در عین حال تشکیل صف مستقل چپ تنها تضمین موفقیت اتحاد همه‌ی نیروهای انقلابی است و یا این واقعیت که حزب طبقه‌ی کارگر تنها تضمین کننده‌ی پیروزی جبهه‌ی انقلاب است بدین معنا نیست که صف مستقل چپ و یا جبهه‌ی متحد پرولتاریا را بخاطر اتحاد عمل

با نیروهای انقلابی دموکرات تشکیل میدهیم. تشکیل صف مستقل چپ ضروری است بخاطر اینکه تنها تضمین موجودیت دوام و گسترش چپ در مقابل ارتجاع است. تشکیل صف مستقل پرولتاریا ضروری است بخاطر اینکه تنها تضمین کننده‌ی منافع طبقاتی آن و تنها ضامن پیروزی طبقه‌ی کارگر بر دشمنان طبقاتی اش میباشد. از اینرو همواره باید در جهت ایجاد اردوگاه مستقل چپ گام برداشت و آنرا بعنوان اصلی ترین الویت‌ها مد نظر قرار داد، برواضح است که وحدت عمل با سایر نیروهای انقلابی و تشکیل جبهه‌ی متحد نیروهای انقلابی در شرایط خاص و از جمله شرایط حاضر، میتواند و باید که تشکیل صف متحد و اتحاد عمل چپ را بعنوان نخستین گام بیش از پیش ضروری نموده و در دستور کار قرار دهد. لیکن هرگز نباید فراموش کرد که تشکیل صف مستقل چپ همواره یک اصل اساسی است.

ضوابط اتحاد عمل چپ

در شماره‌ی ۴۳ رهایی در ارتباط با مساله‌ی پلاتفرم اتحاد عمل چپ و ضوابط آن چنین نوشتیم:

"بنظر ما و از آنجا که شرایط جامعه لزوم اتحاد عمل چپ را بیش از هر زمان دیگر مطرح مینماید، چنین پلاتفرمی نباید آنچنان مشخص باشد که عملاً باعث عدم همکاری نیروهای سیاسی و رزمنده‌ی چپ گردد. وجه عمده‌ی پلاتفرم "اتحاد عمل چپ" در شرایط فعلی مساله‌ی موضعگیری قاطع آن حول مساله‌ی حاکمیت میباشد. بنظر ما هر نیروی سیاسی چپ صرفنظر از نوع استدلال‌های تئوریک و شی ایدئولوژی-یکی که مبلغ آنست بشرط آنکه پیرامون حاکمیت ارتجاعی دارای موضع مشخص و صریح باشد، میتواند در مبارزه‌ی عملی و حول ابتدائی ترین شعارهای دموکراتیک و ضدامپریالیستی با دیگر نیروهای سیاسی همکاری نماید. هر واضح است که اشاره به عدم لزوم "پلاتفرم مشخص و همه جانبه‌ی سیاسی" در مقطع فعلی و خلاصه کردن آن در موضعگیری "علیه حاکمیت" بمعنای نادیده گرفتن "پلاتفرم مشخص و همه جانبه‌ی سیاسی" در مقاطع بعدی نمیشود. چنین پلاتفرمی صرفاً میتواند بعد از آنکه جریان‌های مختلف سیاسی در ابتدایی ترین و اصلی ترین مفاهیم به "اتحاد عملی" دست یابند تدوین گردد ولی کاملاً اول هیچگاه از یک "پلاتفرم مشخص و همه جانبه‌ی سیاسی" آغاز نمیکردد. باید از گامهای اولیه شروع نمود و با جمع بندی از تجارب اولیه گامهای بلندتر را برداشت. زیرا جنبش چپ ایران، هنوز تا رسیدن به چنین مرحله‌ی راهی طولانی در پیش دارد و برای پیمودن این راه دشوار باید از ابتدایی ترین و مدکن ترین طریق آغاز نمود."

در اینجا دو شرط اساسی برای تحقق اتحاد عمل چپ عنوان

میشود:

- ۱- کمونست (چپ) بودن نیروها
 - ۲- داشتن مواضع قاطع علیه حاکمیت ارتجاعی
- این واقعت که اتحاد عمل مورد نظر بین نیروهای چپ انجام پذیرد ضرورتاً با این مسأله برمیخوریم که نیروهای ترکست کننده در این امر باید نیروهای کمونستی باشند. البته تحقق این امر که کدام نیرو طرغم هندی اخلاقات نظری سیاسی نیروی کمونستی است کار جسدان ساده‌ای نیست. هوابط متعددی لازم است تا بتوان راستای حرکت جریانات مختلف را در پیرویه تاریخی تبیین نمود. لیکن کمونستی بودن نیروها شرط اساسی است.
- شرط دوم، داشتن مواضع قاطع علیه حاکمیت ارتجاعی - هر چند یکی از شروط اساسی لیکن به سادگی قابل تبیین و تشخیص است. هم اکنون بر سر نیروهای سیاسی حول مسأله‌ی موضعگیری بر روی حاکمیت شدت‌طلبی شده‌اند. در اینجا قابل تذکر است که هوابط فوق برنا برای اتحاد عمل یعنی اولیه‌ترین و ابتدایی‌ترین نوع همکاری بین نیروهای چپ در نظر گرفته شده و با هوابط ویژه همکاریهای درازمدت سیاسی که بصورت اشتقاق و غیره صورت می‌پذیرد و شرط تحقق آن تدوین بلانفرم همه جانبه‌ی سیاسی است، و یا وحدت (ادغام سیاسی تشکیلاتی) که هوابط کاملاً متفاوت و عالی‌تری را مطالبند کاملاً متفاوت می‌باشد. حال لیگم با بر جریانات چپ به این هوابط چگونه برخورد می‌کند. رفقای "رزمندگان" به شرط را برای اتحاد عمل چپ ضروری می‌شمرند
- "۱- اعتقاد بدون حده به کلیه‌ی سیاسی مارکسیسم-لنینیسم.

- ۲- مرزبندی روشن با اشکال مشخص روبرویونیسم (خراب‌سچیسم و شوروی به جهان)
 - ۳- مرزبندی قاطع با هیات خاکبگ (سما می جناحهای آن) بعنوان عد اعتلا.
- ما علی الاصول با شروط فوق بعنوان معیارهای کلی ترکست نیروها در اتحاد عمل چپ مخالفی نداریم. لیکن بعنوان هوابط مشخص، شروط پیشنهادی شما بسیار زیاد قابل تبیین و تفسیر خواهد بود. مثلاً "اعتقاد بدون حده به کلیه‌ی سیاسی مارکسیسم-لنینیسم" به چه معناست. بنا که در همان سر مقاله‌ی ۲۷ خود یکی از دلایل فقدان حزب‌طلبی کارگر در شرایط حاضر را وجود "ترداشتهای متفاوت کونستنها از "مارکسیسم-لنینیسم" میدانید چگونه "اعتقاد بدون حده" و "آنها" به کلیه‌ی سیاسی "مارکسیسم-لنینیسم" را شرط شرکت نیروهای چپ در اتحاد عمل چپ قرار می‌دهد. ایراد ما نه به اصول ارائه شده از جانب شماست، بلکه در اینست که این اصول اصول کلی بوده و نمیتوان آنرا بعنوان هوابط و معیارهای مشخص بکار برد. زیرا در هر لحظه میتوان آنرا به نومی تفسیر نمود. رفقای "راه کارگر" نیز نیروهای تشکیل دهنده‌ی جنبه‌ی چپ را بصورت زیر مشخص می‌نمایند:
- "نیروهای چپ، گروهها و سازمانهای هستند که در چهارچوب پدیرش مارکسیسم-لنینیسم رسالت و

امالت طبقه‌ی کارگر را بعنوان پیش‌آهنگ مبارزات خلق می‌پذیرند.... بنا بر این تنها نیروهای سیاسی میتوانند این جنبه را بوجود آورند که علاوه بر قبول رسالت تاریخی پرولتاریا در چهارچوب پدیرش مارکسیسم-لنینیسم ضرورت مبارزه با ضد انقلاب حاکم و همچنین امپریالیسم و مزدوران خالی آنها بپذیرند. بدون این دو شرط اساسی جنبه‌ی متحد چپ نمیتواند بوجود آید." (همانجا)

دو شرط پیشنهادی "راه کارگر" به گمان ما بیش از اندازه کلی است و نمیتواند راه‌گشای تحقق اتحاد عمل نیروهای چپ گردد. اصولاً در ابتدا باید مشخص کرد چپ کیست و بعد مسأله‌ی اتحاد عمل را حول محور مشخص مطرح نمود. آیا "قبول رسالت تاریخی پرولتاریا در چهارچوب پدیرش مارکسیسم-لنینیسم" میتواند معیار چپ بودن باشد. شما کدام نیرو را سراغ دارید که ابراز به چپ بودن کند و از "قبول رسالت تاریخی پرولتاریا در چهارچوب پدیرش مارکسیسم-لنینیسم" امتناع ورزد. حتی روبرویونیستها و مائوئیستهای شناخته شده نیز امروز مدعی قبول "رسالت تاریخی پرولتاریا" و یا "مارکسیسم-لنینیسم" هستند و حتی خود را بیروان راستین آن میدانند. بر در تعییر هوابط شرکت نیروها در جنبه‌ی چپ یا باید خط‌کشی بسا احرفات جنبش کمونستی را بر معیارها اضافه کرد

اشکالات عملی تحقق اتحاد عمل چپ

با وجودیکه تاکنون بسیاری از گروهها و سازمانهای چپ-جه نیروهای عمده و چه غیر عمده- اظهار تمایل و اعلام آمادگی برای سازمان دادن اتحاد عمل چپ را نموده‌اند، اما در عمل هنوز این مهم تحقق نیافته است. اگر بپذیریم که همه‌ی این "اظهار تمایل" ها و "اعلام آمادگی"ها مادقانه عنوان شده و نیروهای مورد بحث در این ابرازات خود صمیمی و جدی هستند، در اینصورت تحقق نیافتن امر اتحاد عمل چپ بخودی خود دلایل این امر را طلب مینماید. ما دلیل عمده‌ی عملی نشدن طرح "اتحاد عمل چپ" را سکتاریسم و خود مرکز بینی جریانات چپ میدانیم. پاره‌ای از جریانات چپ بهیچوجه حاضر نیستند مگر با نیروهای مشخص وارد پیرویه اتحاد عمل شوند. پاره‌ای دیگر تحقق اتحاد عمل را بسدور محور و با بهتر بگوئیم رهبری این یا آن سازمان انجام شدنی میدانند و پاره‌ای دیگر جز اظهار و تبلیغ سیاسی اساساً هیچ فعالیت مشخص عملی در این جهت انجام نمیدهند و این یارگران را از دوش خود به گرده‌ی دیگران قرار میدهند. برآستی چطور میشود که در جامعه‌ای که از لحاظ تنوع و تعدد جریانات چپ در جهان کم‌نظیر است، حتی بیسن دو سازمان متحد‌النظر نتوان در عمل مشخص مبارزاتی اتحاد بوجود آورد. آیا این خود نشانه‌ی فقر سیاسی - فرهنگی چپ و نمودار سطح نازل آگاهی جریانات کمونست از ضروری

مسائل جامعه‌ی ما نیست؟

دبیرستان، دبستان، ادارات، محلات و هر کجای دیگری که در برابر حملات و یورشهای ضدانقلابی قرار میگیریم، از هم‌اکنون همکاری و اتحاد عمل را بطور مشخص با نیروهای واقعا انقلابی بسط پیش ببریم. این همکاری و اتحاد عمل مشخص و لسو در مسائل کم اهمیت، میتواند سرآغازی برای اتحاد عمل بر سر مسائل بزرگ باشد.

و ما اضافه میکنیم که با مسئله اتحاد عمل چپ را از حد یک سلسله ابرازات و اظهارنظرهای صرف سیاسی خارج نموده و گامهای عملی در جهت تحقق آن برداریم. ماه به ماه خود آمادگی خود را برای شکل دادن به اتحاد عمل نیروهای چپ اعلام میداریم و با همه نیروهای کمونیست که مواضع قاطعی علیه حاکمیت ارتجاعی دارند حاضر به بحث پیرامون این مهم برای سازمان دادن عملی آن میباشیم. ●

پی‌آمدهای جنگ بین ...

ساده‌انگارانه است. این تاثیر میتواند بسیار کوتاه مدت باشد و در فعل و انفعالات سیاسی تحت الشعاع حوادث بشمار دیگری قرار گیرد. مساله بسیج و تحریک احساسات میهنی که بهر حال در هر جنگ و با هر انگیزه‌ای اجتناب ناپذیر است بطور مسلم در حال حاضر بنفع جناح بسورژواژی حاکم خواهد بود. آثار این امر در ترازوی قدرت کمتر از قدرت یابی ارتش نیست. با اینهمه این امر حقیقت دارد که وقوع جنگ بطور موقت سرپوشی بر روی پروژ حاد و علنی اختلافات جناحهای هیات حاکمه گذارد و این امر تا زمانی که ادامه یابد بنفع بنی صدر است. ولی این امر همانطور که گفته شد جنبه موقت دارد. جمهوری اسلامی در صورت پیروزی بر عراق بنفع جناح حاکم تقویت خواهد شد و این امر موانع موجود را در راه سلطه نهایی تفکر و مشی حکومتی آنها برخواهد داشت این امر با ادامه جنگ محتمل تر خواهد بود. ارتش عراق اگر شانس برای پیروزی داشت در یک حمله سریع و ناگهانی بود. کوچکی عراق، قلت جمعیت آن و از همه مهمتر نا ثباتی و عدم تجانس نسبی درونی آن عوامل موثری خواهند بود که این کشور را برای ادامه جنگ دراز مدت ران خواهند داد. اگر عوامل پیش بینی نشده‌ای در کار وارد نشوند و جنگ ادامه یابد جمهوری اسلامی به بردن جنگ و یا لاقط عقب راندن نیروهای متجاوز عراق و خنثی کردن نقشه‌های رژیم عراق مطمئن خواهد بود. امتناع رژیم ایران از پذیرش میانجی و آتش بس بر پایه همین محاسبه استوار است. آتش بس در شرایط فعلی بمنزله‌ی اقرار به شکست، ازدیاد ناراضایی عمومی و تقویت احتمال کودتاست و حال آنکه با ادامه جنگ هر چه بشود عمر رژیم اسلامی طولانی تر میشود. عمری که در صورت برد بنظر دولتمداران کلا طولانی خواهد بود. ●

در پایان ما به دو مساله دیگر اشاره میکنیم. نخست آنکه اتحاد عمل بین نیروهای چپ نه تنها هیچگونه تعارضی با فعالیت مستقل گروهی ندارد بلکه با تقویت سنگر چپ در مقابل رژیم میتواند زمینه‌های بسیار آماده‌ای را برای فعالیت‌های مستقل گروهی - سازمانی بوجود آورد. بر عکس ادامه‌ی شتت و عدم همکاری و هم آهنگی نیروی چپ میتواند ضربات سنگینی را از طرف ارتجاع حاکم به مجموعه‌ی سازمانها وارد آورده و اصولا امکانات مبارزاتی را بطور جدی از سازمانها و نیروهای کمونیست سلب نماید. در واقع میتوان گفت که اتحاد عمل چپ پایه‌ای ترین وسیله حفظ موجودیت مجموعه‌ی نیروهای کمونیستی و تنها تضمین سیاسی ادامه‌ی فعالیت‌های آنها است.

نکته‌ی دوم اینکه اتحاد عمل چپ اساسا بدیل وحدت نیست و نمیتواند باشد. اتحاد عمل چپ ابتدایی ترین شکل همکاری بین سازمانهایی است که بدلائل مختلف فاقد تجانس ایدئولوژیک - سیاسی هستند. و حال آنکه وحدت تشکیلاتی در همه زمینه‌های مرامی، تجانس کامل را ضروری مینماید. اتحاد عمل چپ خود میتواند گام مؤثری برای نزدیک شدن بیشتر سازمانها در جهت شناخت متقابل و ایجاد کننده‌ی بستر مناسبی برای مبارزه‌ی ایدئولوژیک باشد. بعبارت دیگر اتحاد عمل میتواند حرکت در راستای وحدت را هموارتر کند لیکن بهیچوجه بمعنای وحدت سیاسی - تشکیلاتی نیست.

رفقای اقلیت "سازمان چریکهای فدائی خلق" گر چه تحلیل مشخصی را در ارتباط با ضرورت اتحاد عمل چپ ارائه نمیدهند و نظر آنها در ارتباط با ضوابط و محتوای این اتحاد عمل روشن نیست، لیکن در نتیجه‌گیری سرمقاله‌ی "بحران قدرت" مندرج در کار ۷۶ به نتیجه‌ی کاملاً درستی میرسند که با نظریات ما مطابقت دارد. آنها مینویسند:

"وضعیت بحرانی موجود، وظایفی خطیر بر دوش جنبش انقلابی و بیش از همه جنبش کمونیستی ایران قرار داده است. بهمین علت است که نیروهای انقلابی با احساس مسئولیت، تلاشهایی را در جهت همکاری، اتحاد عمل و وحدت در دستور کار خود قرار داده‌اند. با این وجود همه بخوبی آگاهیم وحدت درون جنبش کمونیستی امری نیست که عجولانه و بغوریت بدست آید. اما از سوی دیگر نمیتوان وضعیت موجود را نادیده گرفت و در انتظار وحدت بسر برد، باید لاقط از هم اکنون اتحاد عمل را بطور مشخص در دستور کار خود قرار دهیم. این امر را نمیتوانیم نمیتوان بیک مساله محتمل که در دراز مدت قابل حل است تبدیل نمود. باید گامهای عملی برای دست یافتن به هدف برداشت. نه تنها در برابر خطر بسورژوازی بزرگ بلکه در مقابل حملات و سرکوبهای هیات حاکمه کنونی نیز بطور مشخص اتحاد عمل را پیش ببریم. در هر کارخانه و مزرعه،



برای تحقق آرمانهای واقعی زحمتکشان، انقلابی دگر باید